
مرکز مطالعات اسلامی بینش
WWW.BINESH.CC
حج پیامبر
«صلی الله علیه وسلم»

بسم الله الرحمن الرحیم

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿۹۷﴾

و حجّ این خانه واجب الهی است بر کسانی که توانائی (مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند. و هرکس (حجّ خانه‌ی خدا را به جای نیاورد، یا اصلاً حجّ را نپذیرد، و بدین وسیله) کفر ورزد (به خود زیان رسانده نه به خدا) چه خداوند از همه‌ی جهانیان بی‌نیاز است.

آل عمران [۹۷-۹۷]

در این مختصر با قلب خود تاریخ را درنوردیده،
به زیباترین سفر برترین آفریده الهی می رویم، سفری
به بهترین مکان هستی... به مکه و منا و عرفات.
قلبت را آماده کن، برای همراهی با قافله
مصطفی صلی الله علیه وسلم

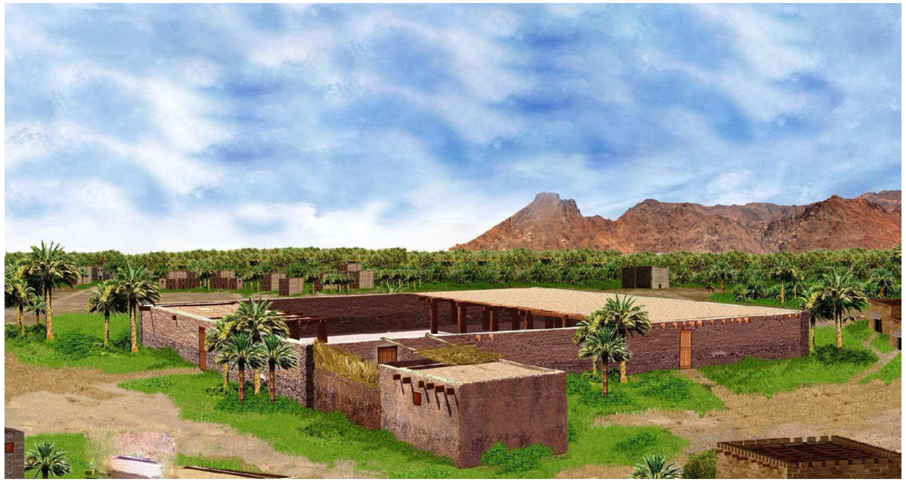
مرکز مطالعات اسلامی بینش



مسیری که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای حجة‌الوداع طی نمودند.

رسول الله ﷺ ۹ سال پس از هجرت بنابر شرایط موجود مناسک حج را ادا نکردند، سپس در سال دهم آهنگ حج نموده و فرمودند: «ای مردم مناسک خود را از من فرا گیرید؛ چه بسا پس از امسال دیگر شما را ملاقات نکنم».

در میان یاران ندا داده شد که رسول الله ﷺ عازم حج است... جمعیت انبوهی از مردم به مدینه آمدند و هریک از آنان خواهان اقتدا به رسول الله ﷺ بودند.



«تصویری تقریبی از مسجد النبی در زمان پیامبر ﷺ»

پیامبر ﷺ شب هنگام به وادی عقیق رسیده، در آنجا اطراق کرده و شب را در آن مکان ماندند. وقتی صبح شد فرمودند: «دیشب ندایی از سوی خدا برایم آمد که در این وادی نماز بخوان و بگو: عمرة فی حجة»، و دو رکعت نماز در آن وادی خواندند.



وادی عقیق

پیامبر مدینه را ترک کرد تا اینکه قبل از نماز عصر به ذوالحلیفه رسید، آنجا غسل نمود و بدن مبارکشان را معطر نموده، احرامی بسیار ساده که ارزش آن پنج درهم بیشتر نبود بر تن کرده، نیت حج کردند و گفتند: «لبیک حجة لا ریاء فیها ولا سمعة» و نماز عصر را بصورت قصر و دو رکعت ادا کردند. در آن هنگام اسماء بنت عمیس همسر ابوبکر صدیق پسرش محمد را به دنیا آورد و شخصی را به نزد رسول الله ﷺ فرستاد تا حکم فقهی حجش را بپرسد، پیامبر ﷺ فرمودند: «غسل بکن، و خود را با پارچه‌ای ببند و مُحرِم شو».



مسجد شجره یا مسجد ذوالحلیفه که در مکان احرام پیامبر ﷺ بنا شده است.

زمانی که کاروان رسول الله ﷺ به «بیداء» رسید ایشان نگاهی به چپ و راست و پشت سر خود انداخت، تا چشم کار می کرد سیل جمعیت می دید، آنجا بود که ندای توحیدی لبیک بر آورد: «لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، إن الحمد والنعمة لک والملک لاشریک لک»



بیداء

رسول الله ﷺ از بیداء به منطقه‌ی فج الروحاء رسید، خطاب به یارانش فرمود: «جبرئیل نزدم آمد و از من خواست به شما دستور دهم صدای خود را برای لبیک بلند کنید»، صحابه نیز با صدای بلند لبیک گفتند.

در فج الروحاء زنی کودکش را بلند کرد و گفت: ای رسول الله آیا حج این کودک صحیح است؟ پیامبر ﷺ فرمود: «آری و تو پاداشش را داری».

در آنجا فرمودند: هفتاد پیامبر در حالی که لباسی پشمین بر تن داشتند از فج الروحاء گذر کرده‌اند.



فج الروحاء

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسیر خود به «ثنیه هرشی» رسید و در آنجا فرمود: گویا به یونس بن متی می‌نگرم که سوار بر شتری سرخ لبیک می‌گوید.



ثنیه هرشی

زمانی که به وادی ازرق رسید، فرمودند: گویا به موسی می‌نگرم که انگشتانش را در گوش خود قرار داده و لبیک گویان از این وادی می‌گذرد.



وادی ازرق

هنگامی که از وادی عسفان گذر کردند فرمودند: هود و صالح سوار بر شتر لبیک گویان به قصد حج از این وادی گذشتند.



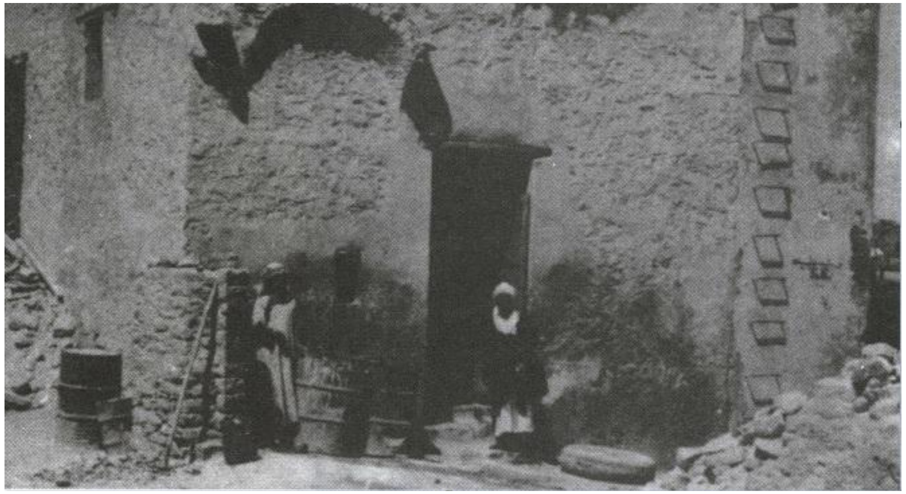
وادی عسفان

پیامبر ﷺ و یاران به راه خود ادامه دادند و پیش از مکه به منطقه‌ی سرف رسیدند. آنجا بود که ام المؤمنین عایشه عادت ماهیانه شدند. ایشان از رسول الله ﷺ حکم شرعی در این مورد را پرسیدند؛ پیامبر خد ﷺ فرمود: «این چیزی است که خداوند برای دختران آدم مقدر نموده است، کل کارهای حاجیان را انجام بده جز اینکه به دور کعبه طواف مکن»، سپس به راه خود ادامه دادند تا اینکه به مکه رسیدند.



منطقه سرف

رسول الله ﷺ مسافت مدینه و مکه را در هشت روز طی کردند و قبل از ورود به مکه در شب چهارم ذوالحجه، در کنار چاه ذوطوی اتراق کردند تا فردایش با قدرت و نشاط وارد مکه شوند و مردم ایشان را ببینند.



تصویری قدیمی از چاه ذوطوی



تصویری قدیمی از منطقه‌ای که چاه ذوطوی در آن واقع شده است

پیامبر ﷺ پس از رسیدن به مکه از طرف باب بنی شیبه وارد مسجد الحرام شد و رکن حجر الاسود را لمس نمود، و سه دور با سرعت و چهار دور آرام به گرد خانه‌ی خدا طواف کرد، سپس پشت مقام ابراهیم ایستاد و این آیه را قرائت کرد:

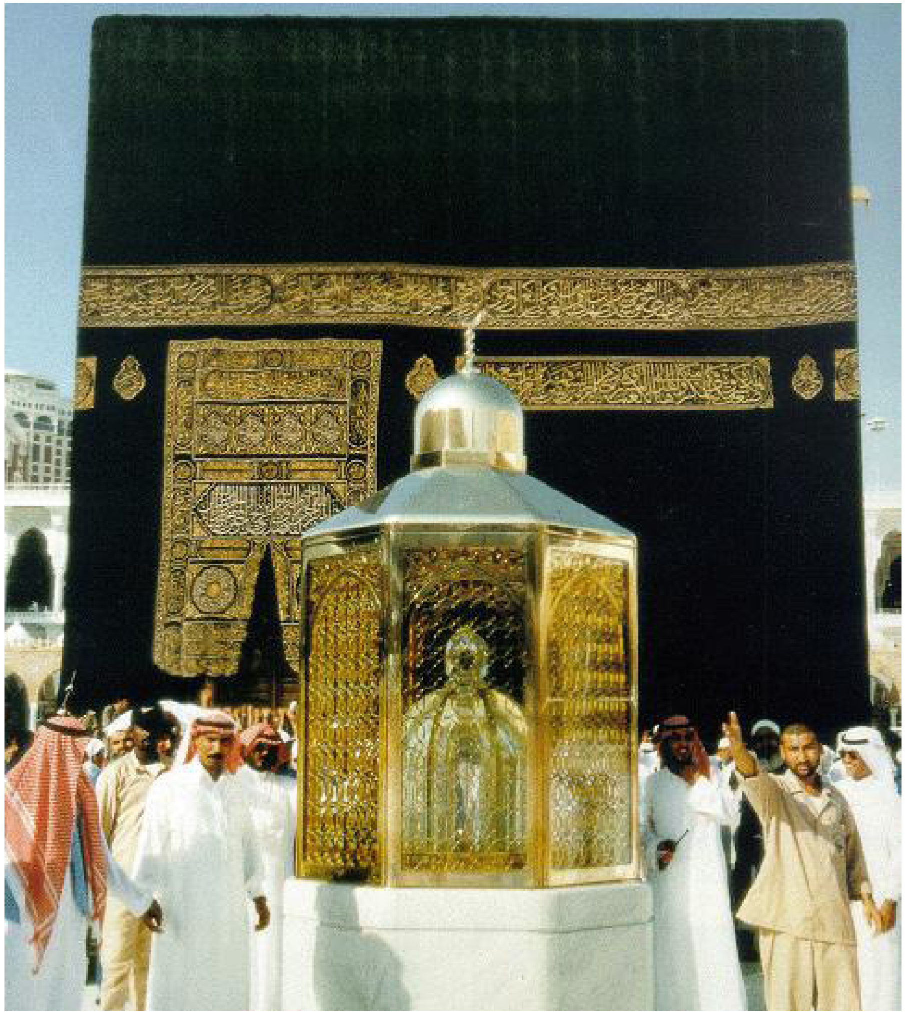
وَاتَّخِذُوا مِن مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى [البقرة: ۱۲۵]

«و از مقام ابراهیم نماز گاهی برای خود برگیرید.»



تصویری قدیمی از باب بنی شیبه

سپس در حالیکه مقام ابراهیم میان او و کعبه بود دو رکعت نماز خواند. پس از ادای نماز بار دیگر حجر الاسود را لمس نمود و پس از نوشیدن آب زمزم روانه‌ی کوه صفا شد.



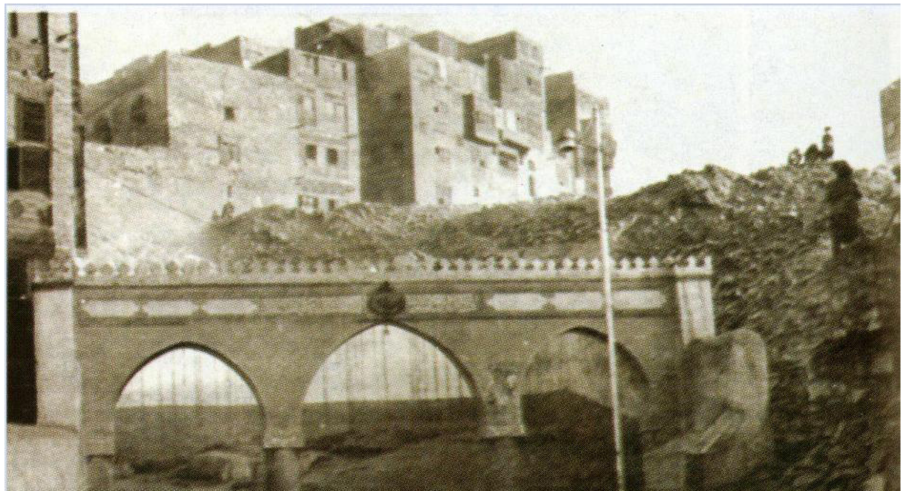
مقام ابراهیم

وقتی به صفا رسید این آیه را قرائت کرد:

إن الصفا والمروة من شعائر الله[البقرة: ۱۵۸]

«همانا«صفا» و «مروه» از شعائر (نشانه های) الله است».

و فرمود: «آغاز می کنم از آنجایی که خداوند آغاز نموده» و بر بالای کوه صفا نگاهی به کعبه افکند و این ذکر را بر زبان جاری ساخت: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير، لا إله إلا الله وحده، أنجز وعده، ونصر عبده، وهزم الأحزاب وحده». معنی: «هیچ معبود بحقی جز الله وجود ندارد، برای او هیچ شریکی نیست، فرمانروایی و ستایش از آن اوست و او بر هر کاری تواناست، هیچ معبودی به حق جز الله یکتا نیست، وعده‌اش را محقق ساخت، و بنده‌اش را یاری نمود، و به تنهایی احزاب را شکست داد» و سپس دعا کرد.



تصویری قدیمی از کوه صفا

وقتی به مروه رسید کارهایی که بر بالای صفا انجام داده بود را تکرار نمود، و هنگامی که سعی را تمام کرد فرمود: «اگر حج آینده زنده باشم قربانی را با خود نخواهم آورد و عمره ادا می کنم (یعنی به جای حج قِران حج تمتع بجای می آورم) هر کسی قربانی با خود نیاورده است از احرام خارج شده تا ادای عمره کرده باشد». سراقه بن مالک فرمود: ای پیامبر خدا آیا این حکم تنها برای امسال است یا برای ابد؟ پیامبر ﷺ انگشتانش را در هم گره زد و دو مرتبه فرمود: «عمره در حج این گونه داخل شده» و گفتند: «این حکم ابدی است».

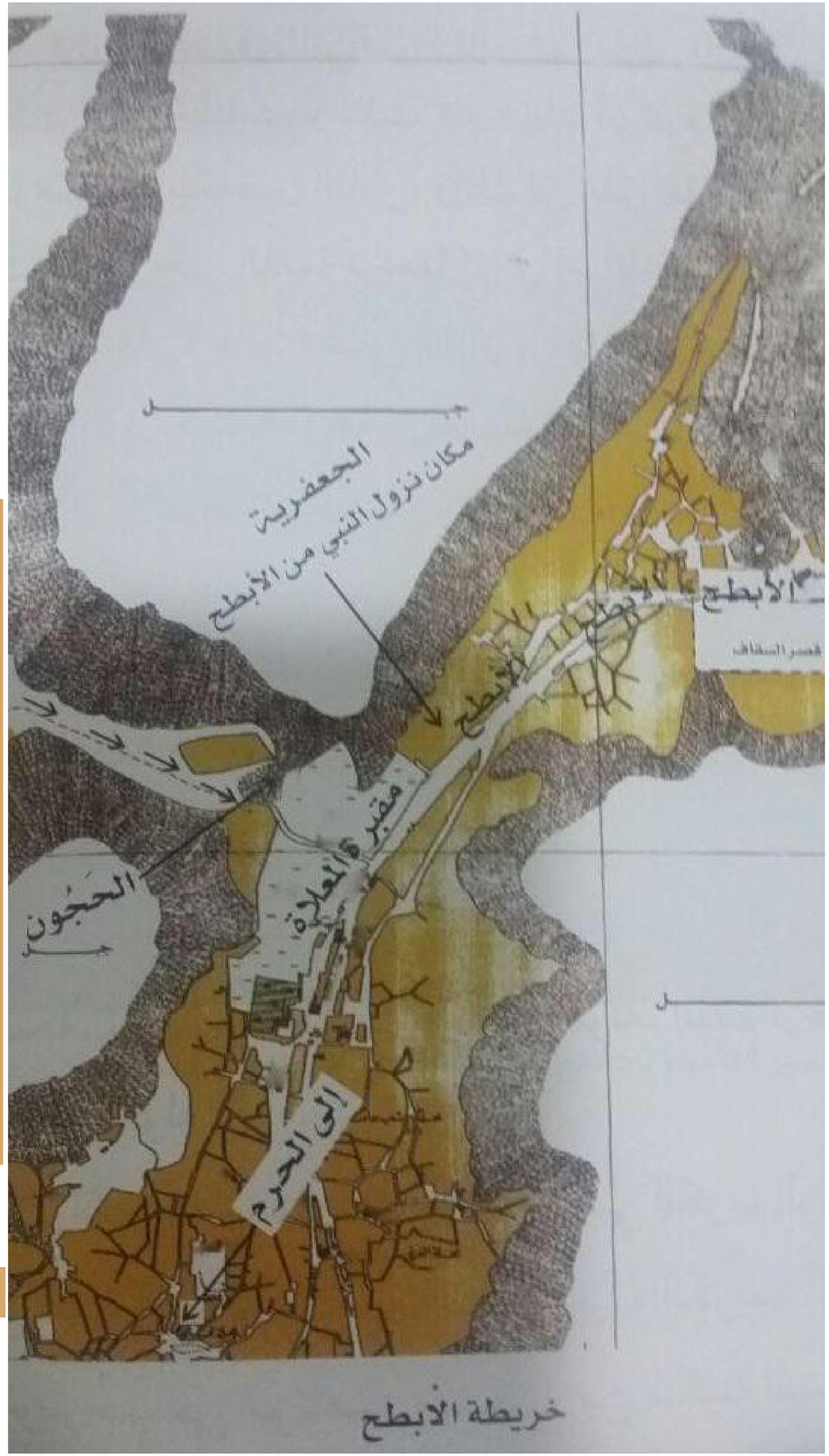


تصویری قدیمی از مروه

پیامبر ﷺ از مسجد الحرام به ابطح رفتند و بمدت ۴ روز تا هشتم ذوالحجه در آنجا اقامت گزیدند. ابطح مکان وسیعی بود که در مسیر ورودی مکه قرار داشت. پیامبر ﷺ در آنجا أصحاب را آموزش می‌داد وجویای أحوال آنان می‌شد.

ابوجحیفه می گوید: در آن زمان کودکی ده ساله بودم، پشت سر رسول الله ﷺ در ابطح نماز خواندیم، پس از آن من دست ایشان را گرفتم و بر گونه هایم گذاشتم، سردتر از یخ و خوش بوتر از مسک بود.

در ابطح، پیامبر ﷺ به عیادت سعد بن ابی وقاص رفت که بیمار بود، دست خود را بر سینه ی سعد کشید. سعد تا سال های بعد می گفت: همچنان سردی دست مبارک را بر سینه ام حس می کنم.



نقشه‌ای که محل اطراق پیامبر ﷺ در ابطح را نشان می‌دهد.



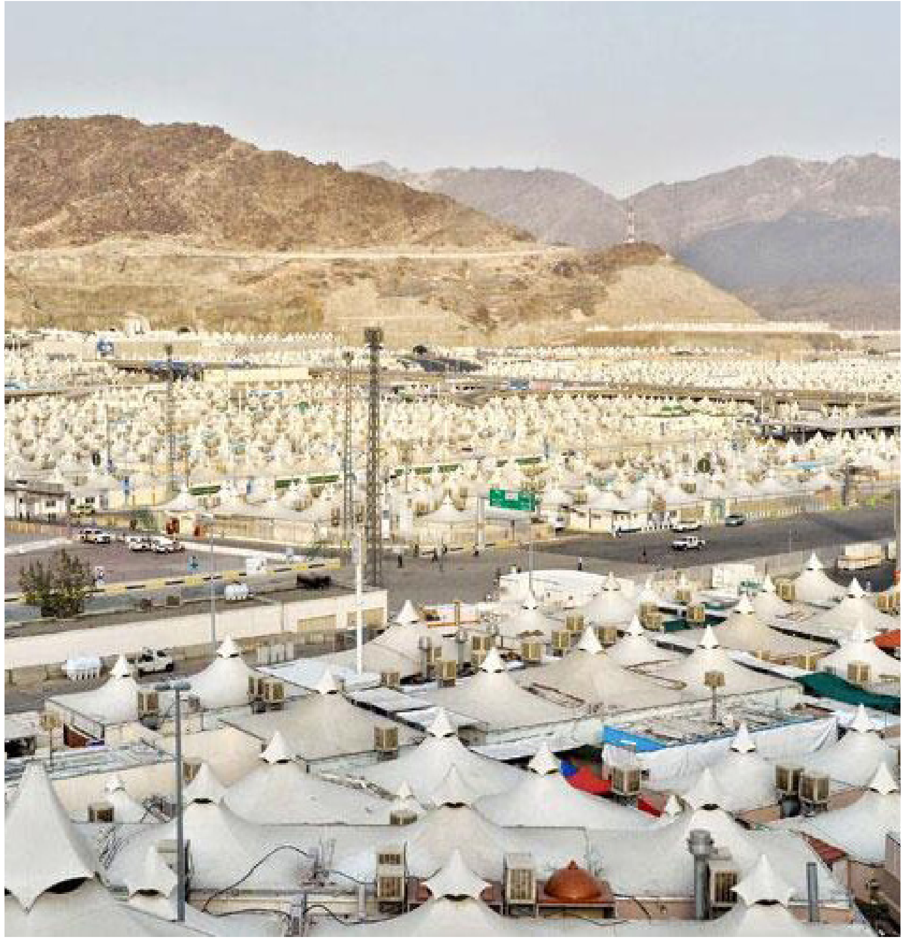
ابطح هم‌اکنون

درهمـان هنگام علی -رضـی الله عنـه- همـراه باصـد نفـر از یمـن بازگشتند؛ علی پس از آمدن به منزل فاطمه را دید که از احرام خارج شده و لباس معطر پوشیده و چشمانش را سرمه زده است، و این کار او را ناپسند دانست [زیرا به معنای خارج شدن از احرام بود]. فاطمه گفت: به دستور پدرم این کار را انجام داده‌ام، علی خدمت رسول الله ﷺ رفت، و ایشان فرمود: «آری... من به او دستور داده‌ام چنین کند؛ ای علـی هنگامـی که نیت حج کردی چه گفتـی؟» علی گفت: گفتـم خدایا من نیت حج می کنـم به همان نیتـی که رسول الله ﷺ کرده‌اند، پیامبر ﷺ فرمود:

«من قربانی با خود آورده‌ام و نمی‌توانم از احرام خارج شوم».

همراهان علی -رضی الله عنه- که از یمن با او آمده بودند برایشان بسیار دشوار بود که از احرام خارج شوند لذا گفتند: آیا در حالی که با زنان خود همبستر شده‌ایم روانه‌ی منا شویم؟! وقتی خبر به رسول الله ﷺ رسید فرمودند: «اگر در سال آینده زنده باشم من هم چنین خواهم کرد و از احرام خارج خواهم شد». آنگاه بود که همگیموی سر خود را کوتاه نموده و از احرام خارج شدند، و رسول الله ﷺ و کسانی که از مدینه با خود قربانی آورده بودند از احرام خارج نشدند.

روز هشتم ذوالحجه موسوم به روز ترویه رسول الله ﷺ سوار بر شترش قصوا به همراه ۱۲۰ هزار نفر عازم منا شد، و نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء و صبح را در منا ادا کرد. سپس هنگام طلوع سپیده دم روز عرفه رسول الله ﷺ آهنگ صحرای عرفات کرد.



منا امروزه

مشرکان در جاهلیت با تحریف مناسک ابراهیمی، خروج از محدوده‌ی حرم و دخول به صحرای عرفات را ناپسند می‌دانستند. رسول الله ﷺ دستور داد سایبانی در «نمره» منطقه‌ای واقع در صحرای عرفات و میان محدوده‌ی حرم و «وادی عرنه» نصب کنند.



وادی عرنه



مسجد نمره

خطبه پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز عرفه

پیامبر در نمره فرود آمد و پس از مایل شدن خورشید سوار بر شترش قصوا راهی منطقه‌ی بطن الوادی شد و آنجا برای حجاج خطبه‌ای به شرح ذیل خواند:

«همانا خون‌های شما و اموالتان بر شما حرام است مانند حرمت این روز در این ماه در این شهر. تمام امور جاهلی از امروز نامشروع است، و انتقامجویی از خون‌هایی که در زمان جاهلیت ریخته شده باطل و نامشروع است، و اولین خونی که انتقامجویی بخاطرش را باطل اعلام می کنم خون فرزند ربیعه بن حارث بن عبدالمطلب است، که شیرخواری در قبیله‌ی بنی سعد بود و توسط هذیلیان کشته شد، و ربای زمان جاهلی نامشروع است و اولین ربایی که آن را باطل و نامشروع می دانم ربای عباس بن عبدالمطلب است؛ همه‌ی این‌ها باطل است. در مورد زنان تقوای الهی را پیشه سازید، شما با امان الهی با آنان ازدواج کردید و با نام خدا آن‌ها را برای خود حلال ساختید، حق شما بر آنان این است که کسی که شما نمی پسندید به حریم خود راه ندهند، اگر چنین کردند آن‌ها را بزنید زدنی که آسیب در پی نداشته باشد، و حق آنان بر شما این است که با نیکی غذا و پوشاک آنان را تامین کنید. و چیزی را برای شما رها کرده‌ام که با چنگ زدن به آن گمراه نخواهید شد، و آن کتاب خداست. و از شما در مورد من پرسیده خواهد شد، پس چه خواهید گفت؟» صحابه گفتند: گواهی می‌دهیم که دین خدا را ابلاغ کردی و حق را ادا نمودی و خیرخواهمان بودی. رسول الله ﷺ انگشتش را بسوی آسمان بالا برد و سه مرتبه فرمود: «خدایا تو گواه باش».

سپس اذان ظهر گفته و ایشان نماز ظهر و عصر را به صورت قصر و جمع ادا کردند، و پس از آن در صحرای عرفات و بر بالای کوه عرفات یا کوه رحمت مشغول نیایش و راز و نیاز و مناجات با پروردگار شدند.



کوه عرفات یا کوه رحمت؛ محل دعا و نیایش پیامبر ﷺ در روز عرفه

هنگام غروب خورشید رسول الله ﷺ سوار بر شترش قصوا شد و برای نشان دادن ارزش انسانیت، اسامه فرزند غلام آزادشده‌اش زید بن حارثه را با خود بر شتر سوار کرد و از راه مأزمین روانه‌ی مزدلفه شد.



راه مأزمین

ایشان ﷺ در وقت نماز عشا وارد مزدلفه شده و نماز مغرب و عشاء را به صورت قصر و جمع تأخیر ادا کردند، سپس به پهلوی خود خوابیدند تا اینکه اذان صبح گفته شد، از خواب برخاسته و نماز صبح را به جای آوردند. پس از آن دسوار بر شترشان در مشعر الحرام رو به قبله مشغول دعا و نیایش و تکبیر بودند تا اینکه آفتاب آشکار شد، و آنگاه راهی منا شدند.



مشعر الحرام

روز دهم ذوالحجه رسول الله ﷺ سوار بر شترش قصوا شد و پسر عمویش فضل بن عباس را پشت سر خود سوار نمود و راهی سرزمین منا شد تا اینکه به ستون عقبه رسید و هفت سنگریزه بسوی آن پرتاب کرد، سپس به سوی قربانگاه روانه شد و شصت و سه شتر را با دستان مبارک خود قربانی نمود و ۳۷ شتر را به علی -رضی الله عنه- سپرد تا قربانی کند. پس از آن دستور دادند تکه‌ای از هر شتر را در ظرفی پخته و از گوشت آن خوردند و از آب گوشتش نوشیدند.



تصویری قدیمی از ستون عقبه

پس از آن رسول الله ﷺ پیرایشگری خواستند و نیمه‌ی راست سر خود را برای تراشیدن به او سپردند، و موهای تراشیده‌ی شده‌ی سمت راست را میان یارانش تقسیم کردند، نیمه‌ی چپ سر مبارک را ابوطلحه انصاری تراشیدند و همه‌ی موها را با خود به خانه بردند، پیامبر ﷺ در آنجا سه مرتبه برای کسانی که موی سر خود را می تراشندو یک مرتبه برای کسانی که موی سر خود را کوتاه می کنند دعا کردند، سپس غسل نمودند و ام المؤمنین عایشه ایشان را خوشبو کردند.



جمرات؛ امروزه

سپس رسول الله ﷺ سوار بر شتـرشان راهی مسجد الحرام شده و نماز ظهر را در حرم بجای آوردند، و پس از انجام طواف افاضه و سعی به منا بازگشتند و آنجا در جایی که هم‌اکنون مسجد خیف قرار دارد سکونت گزیدند.



مسجد الحرام

پیامبر ﷺ مدت بقایشان در منا نمازهای خود را در خیف بطور قصر ادا کردند و خطاب به اصحاب فرمودند: هفتاد تن از پیامبران از جمله موسی علیـه السلام در این مکان نمـاز گزارده‌اند، و گویا من او را می‌بینـم که دو عبـا بر تن دارد و سوار بر شتـری است»، و در این مسجـد خطاب به یارانش فرمود: کسـی که توجـه او به آخرت باشـد خداوند زندگی‌اش را سامـان می‌دهد و دنیا در حالی به او روی می‌آورد که وی میلـی به دنیـا ندارد، و کسـی که توجهش به دنیـا باشـد، خداوند زندگی اش را نابسامـان می‌کنـد و از دنیـا جز مقدار انـدکی به او نخواهد رسید» و فرمودنـد: «خدا نورانی کنـد چهـره‌ی کسـی که سخنـان مـرا شنیـد و حفظ و درک نمود و آن را به گوش کسانی رساند که نشنیده‌اند؛ چه بسا حامل فقهی که از فقه بهره‌ای ندارد، و چه بسا حامل فقهی که آن را به سوی فقیه‌تر از خود منتقل می‌کند».



تصویری قدیمی از مسجد خیف؛ محل اقامت پیامبر ﷺ در منا



مسجد خیف؛ امروزه

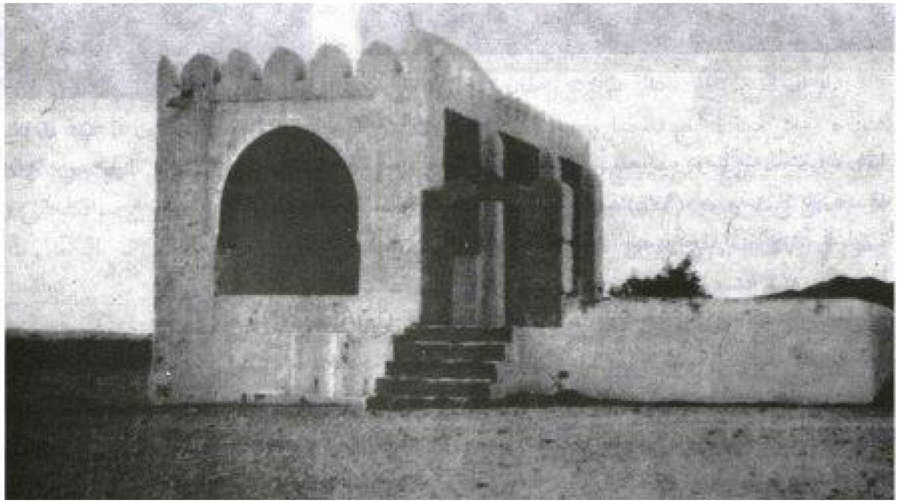
رسول الله ﷺ روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منا ماندند و ستون‌های سه گانه را رمی کردند، پس از آن وارد محصب یا خیف بنی کنانه شدند؛ همان جایی که مشرکان قریش در گذشته تصمیم به محاصره ی اقتصادی پیامبر و یارانش در شعب ابوطالب را گرفتند.

پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نمازهای ظهر، عصر، مغرب و عشاء را در محصب ادا کردند.



محصب یا خیف بنی کنانه

در آنجا ام المؤمنین عایشه -رضی الله عنها- از پیامبر ﷺ خواست اجازه دهد مناسک عمره را به‌جای بیاورد، پیامبر ﷺ نیز به برادر ایشان عبدالرحمن بن ابوبکر دستور داد همراه وی به نزدیک‌ترین موقعیت خارج حرم که هم اکنون مسجد تنعیم یا مسجد ام المؤمنین عایشه در آنجا قرار دارد- رفته و نیت عمره به‌جای آورند.



تصویری قدیمی از مسجد تنعیم یا مسجد ام المومنین عایشه -رضی الله عنها-



مسجد تنعیم؛ امروزه



پیامبر ﷺ نماز صبح روز چهاردم ذوالحجه را در مسجدالحرام خواندند و در آن نماز سوره‌ی طور را قرائت کردند، واین آخرین نمازی بود که پیامبر ﷺ در کنار کعبه خواندند.
ایشان سپس به یاران خود دستور دادند آخرین عهدشان به خانه‌ی کعبه طواف باشد، و پس از انجام طواف وداع، از راه کدی به مدینه بازگشتند.

منابع

۱- صحیح بخاری
۲- صحیح مسلم
۳- سنن ترمذی
۴- سنن نسائی
۵- مسند احمد
۶- صحیح ابن خزیمه
۷- سنن بیهقی
۸- مصنف ابن ابی شیبه
۹- معجم الکبیر طبرانی
۱۰- سیرت ابن هشام
۱۱-فتح‌الباری در شرح صحیح بخاری
- حافظ ابن حجر
۱۲- شرحی معانی آثار- امام طحاوی